



۱۰۸

سوسیالیسم امروز

۱۵ شهریور ۱۳۹۸ - ۶ سپتامبر ۲۰۱۹

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سرپرست: آزگیما



جنایت عظیم شهریور سال ۶۷ و دهه خونین شصت (درسهایی که باید گرفت!)

سلام زیجی

در ادامه جنایت عظیم ۳۰ خرداد سال ۶۰، و سالیان پس از آن، جنایت سازمانیافته تر و به مراتب خونین تر و هولناکتری از اوایل مرداد ماه شروع کردند و تا شهریور ۶۷ با کشتار قریب به ۳۰ هزار زندانی و دستگیر شدگان خیابانی در شکل انفرادی و دستجمعی، در زندان و بیرون زندان، ادامه پیدا کرد. بدین ترتیب دهه شصت را تبدیل کردن به دهه ی آغشته به خون. دهه ی نسل کشی و نابودی گسترده انسانهای مبارز و کمونیست، و دهه جوغه اعدامهای بیشماری در تاریخ ننگین و سیاه جمهوری آدمکشان اسلامی ایران ثبت گردید. در این پروسه کوتاه مدت، مبارزین و آزادیخواهان و مخالفین حکومت اسلامی گیر افتاده و نسلی از انقلاب کنندگان علیه رژیم مستبد پادشاهی را در کام مرگ و خون فرو بردند. نزدیک به چهار دهه جنایت و کشتار و به تیاهی کشاندن زندگی کارگر و زن و جوان آن مملکت ریشه در تاریخ آن رویدادها و مسیر جنون آمیز و خونینی دارد که جمهوری اسلامی بر بستر آن به قدرت رسید. به نسل امروز در ایران و جهان باید آن جنایات و تاریخ وحشتناک را یاد آور شد.

ما نشان دادن جنایت و آدمکشی آنزمان و شناسایی و تلاش برای مجازات

صفحه ۲

متن پیاده شده گفتگوی تصویری با سلام زیجی در باره بیانیه های "۱۴ نفره"

صفحه ۴

مسأله کلیدی هر انقلابی مسأله قدرت دولتی است

صفحه ۶

میانجیگری ماکرون و کف چرانی دوباره دولت های امریکا و جمهوری اسلامی

صفحه ۴

سمینار نقد و بررسی در باره:
جایگاه خط سیاسی و
رهبری جدید "حککا-
حکمتیست" در اوضاع
سیاسی ایران

صفحه ۱۲

در صفحات دیگر:
چند گزارش کتبی-
تصویری از اعتراض
کارگران، احکام ضد
انسانی و جنایت علیه
دختران خردسال

کارگران جهان متحد شوید!

جنایت شهریور ۶۷...

این رژیم را باید سرنگون کرد و سرانش را در ملاء عام محاکمه نمود! چه مرده و زنده باید محاکمه شوند! هر فردی یک روز در هرم قدرت دولتی و ارگانهای نظام اسلامی قرار گرفته و "خدمت" کرده باشد بدون استثنا، کم و بیش، هر کدام به نسبت وزن و موقعیت جنایتکارانه و فاسدی که داشته است، شریک جرم این رژیم در چهار دهه کشتار و آدمکشی و فساد و دزدی و نابودی جامعه ایران هستند! هر نیرو و فردی، ولو با اندکی درک و برخورداری از احساس و آرزوی انسانی، و با حداقلی از خواست آزادی و برابری در وجودش باید برای از سر راه برداشتن چنین نظامی گامهای جدی بردارد. ما باید و موظف هستیم به این روند جنایتکارانه حاکمیت جمهوری اسلامی نقطه پایانی بگذاریم!

اینجا خاوران است...



برای این هدف مهم و تحقق کم مشقت آن امروز تنها شکلی از سرنگونی و انقلاب کردن می تواند به یک ایران آزاد و خوشبخت منجر گردد، که ماهیت و مطالبات روند سرنگونی و خیزشهای توده ای و کارگری ضروری است از لحظه تولد و در قدم اول متکی باشد به پرچم و سیاست و سازمان و حزب و رهبری سوسیالیستی و کمونیستی خود. متکی باشد به بسیج نیروی جنبش طبقاتی خود. متکی باشد به ابزارهای سرنگونی طلبانه و مبارزاتی سیاسی و سازمانی و مسلحانه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه و کارگری خود. این یعنی حداقلی از درس گرفتن از تاریخی که بدان اشاره شد.

کسی که سیاست موج سواری و یا همه با هم بودن را در پیش میگیرد همان دوره ویرانگر و فریبکارانه بورژوازی و اسلامی و خلقی سال ۵۷ را دارد تکرار میکند که عمیقا فریبنده و ضد کمونیستی است. جریاناتی که در پوشش مخالفت با جمهوری اسلامی و حتی در پوشش گرامی داشت از شهریور ۶۷ بر طبل ارتجاع مذهبی و قومی گری و فدرالی و شونینستی ایرانی گری میگویند فراخوان آینده ی به مراتب سیاهتر و هولناکتر از دوره کنونی حاکمیت جمهوری اسلامی به مردم ایران می دهند! اینها چیز بهتری از ویرانیهای امروز سوریه و عراق و افغانستان و یمن برای ایران به ارمغان نخواهند آورد! اگر طبقه کارگر و بخش آزادیخواه جامعه بخواهد برآستی آزاد گردد باید همه این نیروها و کل موجودیت این رژیم را یکجا جارو کند و از سر راه خود بردارد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران متعهد به سازماندهی ابزارهای جدی مبارزاتی و سرنگونی طلبانه با پرچم و هژمونی سوسیالیستی است. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی یک اقدام مهم در تسریع روند نابودی کلیت نظام فاشیست اسلامی ایران و گام بسیار مهمی در جهت دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، امن و سوسیالیستی خواهد بود!

یاد خائباختگان شهریور سال ۶۷ و همه جانباختگان راه آزادی و برابری و سوسیالیسم گرامی باد!
نابود باد جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

۸ شهریور ۱۳۹۶

۳۰ اوت ۲۰۱۷

بازتکثیر: شماره ۱۰۸ نشریه سوسیالیسم امروز

قاتلینی که هنوز در راس قدرت هستند گر چه بسیار ضروری است اما اصلا کافی نیست! فراتر از آن، یاد آوری آن تاریخ و جنایات هولناک و اینکه چرا چنین شد؟ و کلا تجربه شکست انقلاب سال ۵۷ بدست ضد انقلاب اسلامی و نقش مخرب دولت امریکا و غرب و ناتوانی و ضعف چپ و کمونیزم، و پوپولیسم و ناسیونالیسم غالب بر آنها در آنزمان، و همچنین همکاری مستقیم نیروهای مرتجع با خمینی جلا و غیره چنانچه توسط کمونیستها و رهبران طبقه کارگر و جامعه و نسل امروز به درستی درک و فهم نشود، روند پیشروی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعد از گذشت قریب به چهل سال میتواند باز به شکست و ناکامی و نابودی نسل دیگری منجر گردد. در این دوره بسیار ضروری است که با صدای بلند از جانب هر نیرو و تریبون باشرفی این حقایق ساده بازگو شود و تاکید گردد که منادیان دو خرداد و فعالین ارتجاع سبز، و سازندگان اصلی دولت "اعتدال" و ملی-اسلامی ها و نهضت آزادیها و اکثریت و توده ایها، "دمکراسی طلب ها" و "خشونت گریز" های امروزی جزئی از صف یاران و همقطاران دیروز خمینی جلا بودند و مستقیم و غیر مستقیم در فاجعه نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰ و شهریور ۶۷ و همچنین در کمک به تداوم تاکنونی حاکمیت چنین رژیم قرون وسطی دست داشته اند و لازم است به عنوان جزئی از عاملان و قاتلین آن تاریخ هولناک، که جمهوری اسلامی را بر روی آن بنیان نهادند، رده بندی شوند.

از ۳۰ خرداد ۶۰ و شهریور ۶۷ تا کهریزک و کشتار کارگران و شلاق زدن کارگر و جوانان، از به فقر و نابودی کشاندن طبقه کارگر در این مملکت مملو از ثروت، تا اسید پاشی ها و "گشت های نامحسوس"، از سازماندهی شبکه های ترور و قمه کشی و اعدامهای پی در پی، تا جنگ افروزی در کشورهای منطقه و هزینه کردن ثروت جامعه در جنگهای تروریستی و کشتار مردم بی دفاع، از تداوم آپارتاید جنسی و فشار و سرکوب مداوم زنان و به فقرا بردن امید و خواست و آرزوی نسل جوان همه و همه زنجیره جنایتهای غیر قابل چشم پوشی و بخش تفکیک ناپذیری از تاریخ نفرت انگیزی است که بر پیشانی این حکومت بورژوا اسلامی و همه حامیان فارس، کرد، ترک و عرب زبان و جنبشهای "اصلاحات طلب" "ملی" و "مدنی" و "مذهبی" آنها حک شده است.

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید.
iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



بزرگ
برایش
مرگ
آور
خواهد
گردید. و
کسب
چنین
امتیازاتی
هم
شکست

فاحش برای دولت ترامپ محسوب می‌گردد. در نتیجه این دو قطب وحشی سرمایه داری تا آخرین نقطه مخاطره آمیز و تحمل فقر و ویرانگی برای شهروندان جلو خواهند رفت چرا که این مسیر را راه بقای خود به ویژه راه بقای جمهوری اسلامی ارزیابی باید کرد. در عین حال جمهوری اسلامی به تحولات احتمالی پیش روی درون هیئت حاکمه آمریکا و به امید فرجه های که در دولتهای اروپا و به ویژه روسیه و چین می بینند سرمایه گذاری کرده است.

چشم انداز حل این بحران از جانب دولتهای که خود عامل ایجاد بحرانند و از بحرانهای جنگی، اقتصادی و غیره همواره به نفع خود و قدری و تروریسم سود برده اند، هنوز قابل تصور نیست. بعلاوه باید این واقعیتها بیش از پیش روشن تر گردد که تحریم اقتصادی و دیگر سیاستهای دولت ترامپ به جمهوری اسلامی و باز گذاشتن دست آنها در سرکوب جامعه بازتر کرده است، پایان دادن به این بحران و فضای جنگی و غیره کار نه این دو دولت بلکه کار ما مردم مخالف این شرایط و کار طبقه کارگر و زحمتکش قربانی دست سیاستهای دو دولت بورژوازی ملیگرا و اسلامی میباشد. بدون این فشار و تلاش خطر جنایت و جنگ افروزی همچنان بر فراز ما مردم منطقه و ایران باقی خواهد ماند.

باید توجه داشت هر چه زمان این کشمکش طولانی تر میشود دامنه حق کشی و به گرو گرفتن آزادیهای جامعه گسترده تر خواهد شد. برای رژیم حاکم جز بهره گیری از این کشمکش در جهت تداوم بقای سیاه خود و تشدید فقر و بی حقوقی و تحکیم استبداد نتیجه ای نداشته و نخواهد داشت. کارگران و قشر زحمتکش برای رهایی از این وضعیت چاره ای جز به پا خواستن ندارند. با برپایی اعتصابات کارگری و عمومی و با تدارک قیام مسلحانه ج ا را میتوان به گور سپرد. و با برگزاری حکومت سوسیالیستی و شورایی سرنوشت خود را باید بدست گرفت.



میانجیگری ماکرون و کف چرانی دوباره دولت های امریکا و جمهوری اسلامی

آذر کیمیا

طی هفته گذشته بحث پیرامون "توافق دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی ایران" با میانجیگری رئیس جمهور فرانسه به راس این بحران رانده شد. دیدارها و تماس های رئیس جمهور فرانسه با روحانی و ترامپ و گفتگوی مشترک مطبوعاتی ترامپ و ماکرون چنین تصویری را تقویت کرد. اما حدس و گمانهای میانجیگریهای تا کنونی با اعلام یک مجموعه "تحریمهای" آمریکا و عدم پذیرش طرح فرانسه مبنی بر "معافیت فروش نفت" از جانب دولت ترامپ فعلا و تا اطلاع ثانوی چشم انداز توافق این دو دولت قلدر و تروریست پرور را منتفی تر کرده است.

حسن روحانی برای دامن زدن به این توافق که واقعیت نداشت در یک سخنرانی اعلام کرد: "دولت برای حل مشکلات از هیچ تلاشی دریغ نمی کند و معتقدم برای توسعه و پیشرفت کشور باید از هر ابزاری استفاده کنیم. و اگر من بدانم در جلسه ای با کسی ملاقات کنم مشکل کشورم حل می شود دریغ نخواهم کرد". اما این هذیانهای تبلیغاتی زیاد طول نکشید که بعد از سخنان رهبر خامنه ای جلاد از جانب خود حسن کلید حباب شد و دوباره برگشتند روی پوز تهدید و غیره. ترامپ هم هر چه با "متانت و مهربانی" پای سخن مطبوعاتی مشترک با رئیس جمهور فرانسه در باره جمهوری اسلامی رفتند، اما نرسیده به کاخ سفید او هم بر گشت روی همان دنده فریب و ارباب و تهدید و تداوم سیاست های قلدر منشانه تا کنونی خود.

گویا توافقات چنان قطعی به نظر می رسید که وعده آغاز "مذاکرات مشترک" در هفته های آینده داده میشد. ماکرون رئیس جمهور فرانسه رسماً اعلام کرد ملاقات رئیس جمهور آمریکا ترامپ با رئیس جمهور ایران حسن روحانی در جریان است. اما همه ادعا ها پوچ از کار در آمد و "مذاکره" پایان یافته اعلام شد. بازی سیاسی ج ا و یک تاکتیک با دو هدف بود اول این که در شرایطی که مردم زیر فشار تحریم ها هستند و خواهان زندگی بهترند ج ا چنین وانمود می کند که در جستجوی راه های بهتر از جمله مذاکره برای پایان دادن به تحریم هاست. بنظر من تا زمانی که ج ا زیر فشار اقتصادی و مالی قرار دارد خطر جنگ یا سرنگونی تهدیدش نکند بعید است وارد مذاکره شود و هر نوع مذاکره ای بدون گرفتن امتیازات

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

متن پیاده شده گفتگوی تصویری با سلام زیجی در باره بیانیه های " ۱۴ نفره "



بنظرم شاهد عرض اندام شکل و محتوا و جنبشهای دیگری در صادر کردن انواع بیانیه و اعتراض و غیره می بودیم. انوقت هم اگر چنین بیانیه هایی از جانب جنبشهای دیگری صادر میگردید به ناچار در دنباله روی و تأیید ما اقدام میکردند نه اینکه گویا آنها راه جدیدی برای "اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی" و درخواست "کناره گیری خامنه ای" و دیگر مطالبات بی مایه شبیه آن کشف کرده اند حال ماها که چهل سال است برای آزادی و برابری و سرنگونی این حاکمیت سیاه مبارزه میکنیم به دنباله چه چنین سناریوهای مضحکی تبدیل شویم.

اکنون که اینها بیرون آمده اند و بیانیه صادر میکنند نه در تأیید آزادی اسمائیل بخشی ها، نه در اعتراض به سرکوب طبقه ی کارگر، نه در اینکه زنان چرا در ایران در لجن اسلامی فرو برده شده اند، نه در اعتراض به اینکه هر روز در جامعه کوردستان تعداد زیادی از کولبر ها و انسان های زحمتکش جامعه را به گلوله میندند، و نه در اعتراض به اینکه چرا روزانه هزار ها انسان بی دفاع را به دلیل "اعتیاد" اعدام و کشته می شوند، نه در اعتراض به اینکه چرا فقر و گرسنگی و بیخانمانی در ایران سرمایه داری و مملو از ثروت وجود دارد، و چرا خامنه ای ثروت این مملکت را تصاحب کرده، چرا این همه بیکاری و خودکشی و بیمار روانی در آن جامعه وجود دارد؟ و...، نه این ۴ نفر و نه نفرهای پیشین ۱ و نه بیانیه های چندین نفر های قبل تر تحت هژمونی بخشی از بورژوازی در پوزسیون و در اپوزسیون و نه کل چهار چوب و خط فکری و جنبشی که در این نوع بیانیه ها نمایندگی میشود اعتراضشان به هیچکدام از این دردها و یا به دنبال کسب آزادی و برابری واقعی برای همه شهروندان بطور یکسان نبوده و نیستند. به دنبال "میهن" و تمامیت ارضی کشور" و "گذار مسالمت آمیز" و غیره هستند که صد در صد با منفعت اکثریت جامعه در تناقض قرار دارد و با منافع سرمایه داران، اسلامپها و شونیستها همسو و همساز میباشد. در ایران جنبشهای اعتراضی گسترده و متعدد و متفاوت علیه جمهوری اسلامی وجود دارد، که آنها بخشی از این جنبش و اعتراض "همگانی" هستند، اما بخش راست و بخش سازشکار و بخش اصلاح طلب طبقه بورژوازی ایرانند.

همانطور که در بیانیه هاشون گفته اند از "خسونت" خوششان نمی آید! و لی عاشق پدیده های کثیفی مانند میهن و سپاه و ارتش و دین و فرهنگ و تمامیت ارضی ایرانی اند! اینها جز آن بخشی از "مردم" هستند که فکر میکنند خامنه ای برود اوضاع ایران بهبود می یابد، و فکر میکنند که این سازشکاری روحانی است که جمهوری اسلامی توانسته فضا را تنگ تر کند. عملاً بخواهند یا نخواهند این پیام را میدهند که در جمهوری اسلامی بخش ها و جناح های قابل اصلاحی بعد از چهل سال تجربه تلخ و شکست در این زمینه اما هنوز وجود دارد، باید به آن امیدوار بود، و آن راه ارتجاعی و ضد آزادیخواهانه را دوباره باید پیمود و امتحان کرد!

این حامیان "خسونت گریز" "دمکراسی" خواه معصوم ۱۴ نفره توضیح نمی دهند که مرکز و بانی خسونت کیست؟ که امروز از ما "مردم" میخواهند به شیوه "مدنی" و غیر خسونت آمیز با این رژیم سر تاپا جنایتکار و آدمکش رفتار نمائیم!.

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام اخیراً بیانیه هایی با امضای ۴ نفر در داخل ایران و حمایت های ۴ نفر دیگر از آنها در خارج کشور منتشر شده. چهاچوب اصلی آن در باره درخواست "کناره گیری خامنه ای" ، "اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی" و یا اینکه باید به "مبارزه ی بدون خسونت" متکی بود و اینکه باید از "تمامیت ارضی کشور" دفاع نمود و همینطور چند مورد دیگری که ظاهراً مطالبه "رادیکال" آنها است انتشار پیدا کرده است. از احزاب راست و چپ اپوزیسیون از جمله رهبری حزب کمونیست کارگری از آن ها حمایت کرده اند. سوال من این است که حزب سوسیالیست انقلابی برخوردش با این بیانیه ها چیست؟ آیا این تلاشها و اقدامات در جهت "سرنگونی" رژیم مؤثر واقع میگردد یا بر عکس ما را از آن مبارزه و هدف دورتر خواهد کرد؟

سلام زیجی: این بیانیه ها دو مورد بوده که اول ۴مرد و بعداً بیانیه ۴ زن اگر اشتباه نکنم منتشر گردیده و در خارج کشور هم لیست مشابه ای از آنها حمایت کرده است. بدوا این را بگویم که صادر کردن چنین بیانیه های انعکاسی از وضعیت واقعی سیاسی جامعه ایران است. اوضاع بحرانی که هر جریان و جنبشی در اشکال مختلف میخواهد مهر خود را بر آن بکوبد. اما ما ارزیابی و نگاهمان به چنین مسائلی از جمله در برخورد به این بیانیه های مشخص چهارده نفره درست ۱۸۰درجه متفاوت با نظر احزابی نظیر "حزب کمونیست کارگری" به رهبری حمید تقوایی است. این بیانیه ها برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، بر عکس برای جلوگیری از سرنگونی انقلابی توسط کارگران و زحمتکشان و نیروی سوسیالیسم است. من الان وارد بحث رفیق تقوایی نمیشوم، اگر چه رسماً به عنوان حزب بعد از سخنان تقوایی بیانه ای داده اند و ظاهراً مقداری آب بندی شده تر نسبت به سخنان تقوایی حرف زده اند، اما همان خط و متدی است که این جریان در ده پانزده سال اخیر به رهبری رفیق تقوایی نمایندگی کرده است. برای این خط هر تقی به تقی بخورد و از جانب هر کسی باشد به معنی مبارزه و به نفع "انقلاب" و "ضد جمهوری اسلامی" تلقی شده و میشود! تاریخ ۱۰-۱۵ساله فضای سیاسی ایران نشان داده که همه ی این تئوری ها سطحی و پوچ است و برعکس این نوع سیاست کردنها و تق و توقهای دست راستی همواره به زیان روند سرنگونی انقلابی و به ضرر جنبش آزادیخواهی تمام شده، و اتفاقاً جمهوری اسلامی با این موضوعات بازی کرده و بخشی از اپوزیسیون را هم بازی داده است.

تا آن جایی که به این بیانیه ها مربوط است عرض کردم که انعکاسی از وضعیت سیاسی ایران است و جمهوری اسلامی در بحران های متعددی گیر کرده، و اگر الان آمریکا، همان بحثی که در سوال قبلی در باره پیامدهای کشمکش بین آمریکا و ایران مطرح کردیم، سیاست های منفی آمریکا و سیاست های منفی جریانات راست و اپوزیسیون با لچک دار و تاج دار آن ها که همواره تأثیر مخربی بر روند مبارزه آزادیخواهی در ایران داشته اند نمی بود، اکنون فضای جامعه ی ایران بسیار رادیکال تر و آزادیخواهانه تر میشود. و اگر یک حزب قوی و قدرتمند و پرچمدار انقلابی یک الترناتیو سوسیالیستی- کارگری قوی میداشتیم، و اعتراضات کارگری را میتوانستیم در بعد متحد تر و سراسری تر هدایت میکردیم و تناسب قوای واقعی، نه شعاری، را به نفع خود تغییر می دادیم،

ادامه ←

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

گفتگو با سلام زیجی در باره بیانیه های ۱۴ نفره ...

خلاصه کنم: ما از این بیانیه ها و سیاست ناظر بر آن حمایت نمی کنیم. در ضمن مخالفت اصولی هم نداریم با هر کس که تفی به صورت جمهوری اسلامی بیاندازد، دستش درد نکند؛ ولی الزاما به معنی نماند و یا همراه شدن با چنین اقدامات سطحی و غیر انقلابی نیست. ما خود دارای سیاست و استراتژی و آرمان و تاکتیک هستیم و موظف هستیم همواره کل حقیقت را بگویم و آن حقیقت ها و روشهای انقلابی را نمایندگی کنیم. اعلام میکنیم با هر سیله زدن و تف کردنی جمهوری اسلامی رفتنی نیست. مردم نباید فریب این روشها و پرچمها را بخورند. جمهوری اسلامی باید به دست يك قدرت متشکل کارگری-توده ای و نیروی متحزب و قاطع و مسلح سوسیالیستی و کل جنبش از ادیخواهی سرنگون کرد. این تنها راهی است که دنیای بعد از جهنم جمهوری اسلامی به جهنم دیگری منجر نمیگردد. علاوه بر این، ما سرنگونی طلب صرف نیستیم. کارگری که شب و روز زیر فشار است به خاطر این مبارزه نمیکند که فقط جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی اش برداشته شود و به کمی اصلاحات راضی باشد. این پیشکش آنهاست که تفاوت زیادی با ماهیت جمهوری اسلامی ندارند. ما کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری میخوایم از دست کلیت نظام سرمایه داری خلاص شویم و تمام ارکان دولتی و ایدئولوژی هایی که طبقه سرمایه داری به دست میگیرد از جمله سیاستی کسانی که بیانیه را امضا کرده اند و تمامیت ارضی خواه هستند که يك فکریت ناسیونالیستی-شونیستی است، همراه با نظام حاکم به گور بسیاریم.

همچنانکه بیشتر نیز گفتیم ما با بحث های "حزب کمونیست کارگری" و خصوصا دیدگاههای حمید تقوایی در این رابطه نه تنها مخالفیم که آنرا مانند دیگر سیاستهایشان مضر به حال جنبش کمونیستی و سوسیالیستی ارزیابی کرده و این سیاستها که متاسفانه در پوشش "کمونیسم کارگری" عرضه میشود هیچ ربطی به این جنبش ندارد. بارها گفته ایم ما تنها برای پیروزی یک جنبش و یک طبقه و یک آلترناتیوی سوسیالیستی مبارزه میکنیم. جامعه ی ایران را فرا خواهان میدهیم که دنبال آن نوع پلاتفورم ها نروند. برعکس به دنبال پلاتفرم و سیاست ما بیایند. راه نجات ما اتحاد حول پرچم و پلاتفرم جریان سوسیالیستی ما است! دنبال راه و مبارزه آن کارگر هایی باید رفت که در زندان هستند و میگویند "کارنان آزادی اداره شورایی"! جامعه باید دنبال این فراخوانهای کارگری و انقلابی برود که میتواند جامعه ایران را از دست شاه و شیخ و از دست ارتجای خرافی ناسیونالیسم و فدرالیسم و مذهب و هر ارتجاع خطرناک دیگری که میتواند دوباره کل ایران را نابود کند، فرامیخوانیم. تنها برنامه و پلاتفرم و فراخوان کارگری-سوسیالیستی است که برآستی قادر خواهد شد جامعه ی بعد از جمهوری اسلامی را به يك جامعه آزاد، مرفه، امن، خوشبخت و سوسیالیستی تبدیل کند و همه ی شهروندان بتوانند به طور برابر در همه امور سهیم باشند و زندگی انسانی داشته باشند.

(گفتگوی تصویری این موضوع روز ۲۱ اوت (۳۰ مرداد ۱۳۹۸) صورت گرفته و همان زمان در سایتها و شبکه های اجتماعی پخش گردیده است. با تشکر فراوان از رفیق تینا خ که زحمت پیاده کردن بخش مربوط به "بیانیه ۱۴ نفری" آن گفتگو را کشیده است، و اکنون بطور کتبی نیز در دسترس قرار میگیرد)

آیا کارگران فولاد و هفت تپه و اهواز و یا کسانی که همین چند روز پیش در یک مضحکه ی به اسم دادگاه محاکمه شان را برگزار کردند و به آنها وحشیانه ترین حکم داده اند خشونت کرده اند؟، کسی که خواهان حداقل آزادیها و رفاه و نان و سر پناهی برای زیستن است عامل خشونت هستند یا این دولت فاسد و دزد اسلامی و شونیستی و روشنفکران بی حیای توجیگر آنها؟، کسی که چنین توصیه های به مردم ایران میکند به مبارزه انقلابی و آزادیخواهان همان "مردم ایران" تعلق ندارد. این بیانیه و جنبش شان راه خشونت گریزی خود را از دالانهای مجلس شورای اسلامی و جناحبندهای درون آن تا امید بستن به ترامپ و "کمک امریکا" و چشم امید بستن و توهم پراکنی پوچ به عناصری مانند رضا پهلوی بسته اند که میگوید سپاه پاسداران هم "بچه مردم" اند و باید باقی بمانند، ارتش و دستگاه سرکوب و زندان هم که هیچ از روز اول آن ها را جزو خودشان حساب میکنند. در هر صورت این بیانیه را از دور که نگاه کنید و ساده لوحانه آنرا بررسی کنید شاید برای برخی "خیلی عالی" تصور شود، هر چه باشد بلاخره جمهوری اسلامی زیر فشار قرار میگیرد! اما بنظر من همراهی با چنین بیانیه و سیاستهای به معنی بازی دوباره در میدان طبقه سرمایه دار و استعمارگران حاکم بر کشور و افتادن به چاله مجدد آنها میباشد.

ضمن اینکه با برخی مفاد آن مخالفت اصولی شاید لازم نباشد کرد اما کلیت سیاست ناظر بر آنها باید با قاطعیت مخالفت ورزید. باید حقیقت را به جامعه ی ایران گفت، به طبقه ی کارگر ایران باید کل حقایق را گفت، اکثریت جامعه ی ایران کلاهش پس معرکه است اگر دنبال چنین سیاستهای به افتند. از این طریق نمیشود خامنه ای را به "استعفا" کشاند و جمهوری اسلامی را سرنگون کرد، یا از آن "گذر" کرد! از طریق این ها فقط سم توهم آفرینی مجدد اصلاح طلبی به وجود می آید، که گویا جمهوری اسلامی قابل تغییر است. نویسندگان و سیاستگذاران اصلی این بیانیه ها می فهمند چکار میکنند. چرا در این بیانیه ها از ضرورت انقلاب اجتماعی و فرهنگی در ایران حرف نزده اند؟. اگر واقعا طرفدار آزادی و برابری واقعی هستند چرا از ضرورت انقلاب کارگری حرف نمیزنند، از طبقه ای که اکثریت جامعه را تشکیل میدهد اما جزو سرکوب شده ترین و بی حقوق ترین بخش جامعه هستند چرا یک کلمه نگفته اید اما همیشه هذیان چون دفاع از "تمامیت ارضی کشور" در لیست اول "مطالبات"تان قرار میگیرد.

معنی این خط این است که تمام مبارزه ی ۷۰-۸۰ساله کارگران و زحمتکش را در حاشیه گذاشته ای و آن را محرك انقلاب و عاملی برای کسب آزادی و تحقق سرنگونی نمیدانید بلکه "گذر از جمهوری اسلامی" را در استعفای خامنه ای و ایجاد توهم پراکنی که جمهوری اسلامی را میشود اصلاح کرد دوباره جستجو میکنید. اگر ۹۹٪ قانون اساسی جمهوری ایران هم اصلاح کنید و فقط ۱٪ آن را برای مردم باقی بگذاریم باز این رژیم را باید سرنگون کرد! و همه عوامل و سرانش را باید محاکمه نمود و مجازات شوند! هر پلاتفرم و بیانیه ای که داده میشود چنانچه کلیت جمهوری اسلامی را مجرم حساب نکند، آنرا به عنوان رژیمي که در این چهل سال کشتار کرده و دستش به خون صدها هزار نفر آلوده است، چهل سال است ثروت آن مملکت را میدزد و در راه تروریسم و سرکوب در ایران و کشورهای متعدد هزینه میکند معرفی ننماید آن بیانیه و نویسندگان را نباید در ردیف دوستان آزادی و برابری و رهای جامعه از چنگ جمهوری اسلامی تلقی نمود.

تاسی با حزب

iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!



مسئله کلیدی هر انقلابی مسئله قدرت دولتی است

لنین

بی شک مسئله کلیدی هر انقلابی مسئله قدرت دولتی است. اینکه کدام طبقه قدرت را در دست بگیرد، تعیین کننده هر چیزی است. وقتی که دیلو نارودا، این روزنامه حزب عمده حاکم در روسیه، اخیراً (شماره ۱۴۷) گله و شکایت سر داد که بخاطر دعوا بر سر قدرت، مسائل مجلس مؤسسان و نان به فراموشی سپرده شده‌اند، این سوسیالیست-رولوسیونرها بایستی پاسخ خویش را چنین دریافت کرده باشند:

«خود را ملامت کنید. چرا که این تزلزل و بی تصمیمی حزب شماست که بیش از همه برای «جفتک چارکش وزارتی»، به تعویق انداختن نامحدود مجلس مؤسسان، خرابکاری سرمایه‌داران در اقدامات برنامه‌ریزی شده و مورد توافق در امر انحصار غله و تأمین نان برای کشور، قابل سرزنش است.»

مسئله قدرت طفره رفتنی نیست و نمی‌تواند نادیده گرفته شود، چرا که این مسئله کلیدی تعیین کننده همه چیز در تحول انقلاب، سیاست داخلی و خارجی آن است. این یک واقعیت مسلم است که ۶ ماه از انقلاب ما بخاطر تزلزل روی مسئله قدرت «تلف شده» است؛ این واقعیت حاصل سیاست متزلزل اس.آرها و منشویکها است. سرانجام، خط مشی متزلزل این احزاب به وسیله موقعیت طبقاتی خرده بورژوازی و بی ثباتی اقتصادی آنها در مبارزه بین کار و سرمایه تعیین گردید.

تمام مسئله در شرایط کنونی بر سر این است که آیا دمکراتهای خرده بورژوا در طی این ۶ ماه بزرگ و فوق‌العاده پُرماجرا چیزی آموخته‌اند. اگر نه انقلاب از دست رفته است و تنها یک قیام پیروزمندانه پرولتاریاست که می‌تواند آنها نجات بدهد. اگر آنها چیزی آموخته‌اند بایستی امر استقرار یک قدرت استوار و با ثبات به فوریت آغاز شود.

تنها وقتی که قدرت آشکارا و بی قید و شرط متکی بر اکثریت اهالی باشد می‌تواند در طول یک انقلاب توده‌ای یعنی انقلابی که مردم، اکثریت کارگران و زحمتکشان را به حرکت می‌آورد، پایدار بماند. تاکنون در روسیه قدرت دولتی عملادر دست بورژوازی که مجبور به دادن امتیازات مشخصی (که آن هم فردای همان روز پس بگیرد)، به وعده و وعید دادن (که از انجام آنها قاصر است) و به جستجو کردن انواع بهانه‌ها به منظور پوششی بر سلطه‌اش (فقط به این منظور که مردم را با یک نمایش «ائتلاف صادقانه» اغفال کند) و غیره و غیره بوده است، باقی مانده است. در حرف ادعا می‌کند که دولتی مردمی، دمکراتیک و انقلابی است، ولی در عمل دولتی ضد مردمی، غیردمکراتیک، ضدانقلابی و بورژوائی است. این تضادی است که تاکنون وجود داشته و منشأ تزلزل و بی ثباتی کامل در دولت و «جفتک چارکش وزارتی» است که اس.آرها و منشویکها با چنین شور قابل تأسفی (البته برای مردم) درگیر آن بوده‌اند.

در اوائل ۱۹۱۷ من به کنگره سراسری شوراهای* گفتم که یا شوراهای از هم می‌پاشند و با مرگی ننگین از بین می‌روند، یا باید تمام قدرت به آنها منتقل شود. حوادث ژوئیه و اوت قاطعانه این سخن را تأیید نمودند. این مهم نیست که نوکران بورژوازی - پوترسف، پلخانف و دیگران که از «بسط دادن پایه‌های» قدرت تفویض عملی آنها به اقلیتی محدود از مردم، یعنی بورژوازی یا استثمارگران در نظر داشتند - به چه دروغهایی متوسل شوند، تنها قدرت شوراهای که آشکارا متکی بر اکثریت مردم باشد می‌تواند پایدار بماند.

تنها قدرت شوراهای می‌تواند پایدار بوده و حتی در طوفانی ترین لحظات طوفانی ترین انقلاب سرنگون نشود. تنها این قدرت است که می‌تواند رشد مداوم و وسیع انقلاب و مبارزه مسالمت آمیز احزاب را در درون شوراهای ضمانت کند. تا زمانی که این قدرت مستقر شود، بطور اجتناب ناپذیری بی تصمیمی، بی ثباتی، تزلزل، «بحرانهای قدرت» بی پایان، نمایش مضحک جفتک چارکش وزارتی و طغیانها از چپ و راست، وجود خواهند داشت.

در هر حال شعار «قدرت به دست شوراهای» بارها، اگر نه در اکثر موارد، به مفهوم کاملاً نادرست «کابینه احزاب در اکثریت شوراهای» برداشت شده است. ما مایلیم که با تفصیل بیشتری این تصور نادرست را مورد بررسی قرار دهیم.

«کابینه احزاب در اکثریت شوراهای» به مفهوم تعویض وزرا، در حالی که کل ماشین دولتی کهن دست نخورده باقی می‌ماند، می‌باشد - یک دستگاه کاملاً بوروکراتیک و کاملاً غیردمکراتیک که توان انجام اصلاحات جدی، حتی از نوع اصلاحاتی که در برنامه اس.آرها و منشویکها آمده را ندارد.

«قدرت به دست شوراهای» به معنی دگرگونی رادیکال در کل ماشین دولتی کهن، یعنی دستگاهی بوروکراتیک که مانع هر امر دمکراتیکی می‌گردد، می‌باشد. به عبارت دیگر امحاء این ماشین و جایگزین کردن آن با یک دولت خلقی جدید، یک دستگاه واقعاً دمکراتیک متعلق به شوراهای، یعنی اکثریت متشکل و مسلح مردم - کارگران، دهقانان و سربازان. این شعار به این معنی است که به مردم اجازه دخالت مستقل و آزاد نه تنها در انتخابات نمایندگان بلکه همچنین در اداره دولت، در اجرای اصلاحات و دیگر تغییرات داده شود.

برای اینکه این اختلاف روشن تر و مفهوم تر گردد خوب است که اعتراف ارزشمندی را که چندی پیش در دیلو نارودا، روزنامه حزب حاکمه اس.آرها درج گردیده بود، بخاطر بیابوریم. در آنجا آمده بود که حتی در آن وزارتخانه‌هایی که در

← ادامه

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

مسئله کلیدی هر انقلابی ...

شورای سراسری روسیه یعنی کمیته اجرائی مرکزی) را به محافل بی مصرف لفاظی تبدیل کنند که زیر پوشش «کنترل»، فقط مشغول تنظیم قطعنامه‌ها و پیشنهادات بیهوده‌ای هستند که دولت آنها را با تحویل لبخندی مهربانانه و مؤدبانه به بایگانی می‌سپارد. به هر رو، «نسیم فرح بخش» ماجرای کورنیلوف که وعده یک طوفان واقعی را می‌داد، برای زودن موقت هر آنچه که در شوراها کهنه و پوسیده بود، و برای نمایش عظمت، قدرت و شکست ناپذیری ابتکار عمل توده‌های انقلابی، کافی بود.

بگذارید که شکاکین از این نمونه تاریخی بیاموزند. بگذارید آنها بی که می‌گویند: «ما هیچ دستگاهی نداریم که آن را جایگزین دستگاه دولتی کهنه که قطعاً متمایل به دفاع از بورژوازی بود نماییم» از خود شرم کنند. چرا که چنین دستگاهی که همانا شوراها می‌باشد، وجود دارد. از ابتکار عمل و استقلال مردم واهمه نکنید. به تشکیلات انقلابی آنها ایمان داشته باشید، و آنگاه همان قدرت، عظمت و شکست ناپذیری کارگران و دهقانان را که با اتحاد و خشم شان در مقابل کورنیلوف به نمایش گذاشتند، در کلیه جوانب امور دولتی خواهید دید.

فقدان ایمان به مردم، ترس از پیشقدم شدن و استقلال آنها، وحشت از نیروی انقلابی آنها بجای حمایت همه جانبه و بلاشرط از آن - در اینجا است که رهبران اس آر و منشویک مرتکب بزرگترین خطاها شده‌اند. در اینجا است که ما به یکی از عمیق ترین ریشه‌های تردید، تزلزل و تلاشهای بی ثمر آنها در دمیدن جان تازه به کالبد پوسیده دستگاه بوروکراتیک دولتی کهنه، پی می‌بریم.

نظری به جریان دمکراتیزه کردن ارتش در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، جریان وزارت چرنف، «حکومت» پالچینسکی و استعفای پشخونوف، روشن می‌سازد که آنچه ما در بالا گفتیم در هر قدم تأیید می‌گردد. از آنجا که اعتماد کاملی به سازمانهای منتخب سربازان وجود نداشت و اصل انتخاب افسران ارشد توسط سربازان کاملاً رعایت نمی‌شد، کورنیلوف ها، کالدین ها و افسران ضدانقلابی در رأس ارتش قرار گرفتند. این یک واقعیت است. هر کسی که چشمش را عمداً نبسته باشد، نمی‌تواند انکار کند که پس از ماجرای کورنیلوف، دولت کرنسکی همه چیز را به صورت گذشته‌اش رها کرده، و در واقع باعث تکرار ماجرای کورنیلوف می‌شود. انتصاب آکسیف، «صلح» با کلمبوسکی ها، گاکارین ها، باگراشن ها و دیگر عمال کورنیلوف، ملایمت در مجازات کورنیلوف و کالدین، تمام اینها به روشنی ثابت می‌کنند که کرنسکی در واقع تکرار ماجرای کورنیلوف را باعث می‌گردد.

تجربه نشان داده است که هیچ راه وسطی وجود ندارد. یا تمامی قدرت به شوراها منتقل و ارتش کاملاً دمکراتیزه می‌شود، و یا اینکه ماجرای کورنیلوف دیگری به وقوع می‌پیوندد.

دست وزرای سوسیالیست قرار داشت (این در زمان ائتلاف رسوا با کادتها، وقتی که برخی از منشویکها و اس.آرها وزیر بودند نوشته شده بود)، کل دستگاه اداری بدون تغییر باقی مانده و مانع کار بود.

این کاملاً قابل درک است. تمام تاریخ کشورهای بورژوا - پارلمانی و همچنین تا حدود زیادی کشورهای مشروطه بورژوایی، مبین این است که تعویض وزراء در مقابل این واقعیت که کنترل اصلی امور اداری در چنگ ارتش عظیم مأمورین دولتی می‌باشد، اهمیت ناچیزی دارد. این ارتش در هر حال سراپا غیردمکراتیک بوده و از طریق هزاران و میلیونها رشته با زمینداران و بورژوازی ارتباط داشته و کاملاً وابسته به آنها است. این ارتش در جوی از روابط بورژوایی محصور بوده و فقط از این فضا تنفس می‌کند. این ارتش به شیوه‌ای متحجر و راکد تنظیم گشته و از رهایی خویش از این جو عاجز می‌باشد. فقط به شیوه قدیم قادر است فکر، حس و یا عمل کند. بندگی مقام و امتیازات مشخص خدمات «مدنی» این ارتش را مقید نموده؛ افسار بالایی این ارتش از برکت بانکها و سهام کاملاً اسیر سرمایه مالی بوده و تا حد معینی به صورت عامل و وسیله نفوذ و منافع آن عمل می‌کند.

این بزرگترین توهم، بیشترین خودفریبی و مردم فریبی خواهد بود اگر که سعی شود رفرمهایی از قبیل الغاء بلاعوض املاک بزرگ ارضی و یا انحصار غله و غیره، به وسیله این دستگاه دولتی انجام گردد. این دستگاه می‌تواند در خدمت بورژوازی جمهورخواه و ایجاد یک جمهوری در شکل «سلطنت بدون سلطان»، همچون جمهوری سوم فرانسه، قرار گیرد، لیکن مطلقاً قادر به انجام رفرمهایی که حقوق سرمایه را، حقوق «مالکیت مقدس خصوصی» را بطور جدی حتی تحدید کند، نخواهد بود، چه رسد به آنکه آنها را براندازد. به همین دلیل است که در تمام انواع کابینه‌های «ائتلافی» که با شرکت «سوسیالیستها» تشکیل می‌گردد، این سوسیالیستها، حتی با وجود افراد کاملاً صادق در بینشان، در عمل به زینت بی مصرف و یا پرده استتاری بر دولت بورژوازی، به برق گیری که جریان خشم رعد آلود مردم را از دولت منحرف می‌کند و به ابزاری در دست دولت برای فریب مردم تبدیل می‌شوند. این همان چیزی است که برای لونیس بلان در ۱۸۴۸ و دهها بار در فرانسه و انگلیس هنگامی که سوسیالیستها در کابینه بورژوازی شرکت کردند اتفاق افتاد. و نیز چرنف ها و تسره تلی ها که گرفتار همین بلا در ۱۹۱۷ هستند. و مادامی که سیستم بورژوایی پابرجاست، و تا زمانی که ماشین دولتی کهنه و بوروکراتیک بورژوایی دست نخورده باقی بماند، چنین بوده و خواهد بود.

شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان از ارزش ویژه‌ای برخوردارند، چرا که یک نوع جدید از دستگاه دولت را که بطور غیرقابل قیاسی عالی تر و دمکراتیک تر می‌باشد، نمایندگی می‌کنند. اس.آرها و منشویکها به هر کار ممکن و غیرممکنی دست زده‌اند تا شوراها (به ویژه شورای پتروگراد و

ادامه



ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

مسئله کلیدی هر انقلابی ...

غیرمستقیم سرمایه‌های مالی روسیه و «متفقین»، روبرو بوده و می‌باشد.

در گذشته‌های نه چندان دور، ای. پرلزایف در سوگ استعفای پشخونوف و اضمحلال قیمت‌های تثبیت شده و انحصار غله، در دیلو نارودا (شماره ۱۴۷) چنین نوشت:

«جرات و عزم راسخ آن چیزهایی هستند که دولت‌های ما در هر ترکیبی که باشند فاقد آنها بوده‌اند ... دمکرات‌های انقلابی نباید منتظر بمانند؛ آنها بایستی که ابتکار عمل به خرج داده و در حل مسئله هرج و مرج اقتصادی فعلی با شیوه‌ای برنامه ریزی شده مداخله نمایند ... اگر در یک جا وجود یک خط مشی قاطع و یک دولت مصمم ضروری باشد در همین زمینه است.»

در این سخنان طلابی شکی نیست. تنها مسئله اینست که نویسنده فراموش کرده است که امر اتخاذ خط مشی قاطع، جرات و عزم راسخ، مسئله‌ای شخصی نبوده بلکه منوط به این است که این امر در توان کدام طبقه می‌باشد. تنها طبقه‌ای که چنین توانی را دارد پرولتاریاست. یک دولت پر جرات و مصمم که خط مشی قاطعی را دنبال کند، چیزی نیست مگر دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان فقیر. ای. پرلزایف ندانسته در آرزوی این دیکتاتوری است.

یک چنین دیکتاتوری در عمل به چه مفهومی است؟ بجز این نیست که مقاومت عمال کورنیلوف در هم شکسته و دمکراتیزه کردن ارتش تجدید و کامل شود. دو روز پس از استقرار آن ۹۹٪ از افراد ارتش هواداران پرشور این دیکتاتوری می‌شوند. این دیکتاتوری زمین را به دهقانان و تمامی قدرت را به کمیته‌های محلی دهقانی منتقل می‌کند. کدام عقل سلیمی می‌تواند در پشتیبانی دهقانان از این دیکتاتوری شک کند؟ آنچه که پشخونوف فقط **فولش** را داد (در واقع پشخونوف در سخنرانی معروفش در کنگره شوراها چنین گفت: «مقاومت سرمایه‌داران در هم شکسته شده است»)، این دیکتاتوری به انجام رسانده و آنرا مبدل به واقعیت می‌کند. در عین حال سازمان‌های دمکراتیک تهیه غذا، کنترل و غیره که هم اکنون شروع به شکل گرفتن کرده‌اند، به هیچ وجه منحل نمی‌شوند. برعکس، آنها حمایت شده، توسعه داده شده و کلیه موانع از سر راهشان برداشته می‌شود.

تنها دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان فقیر است که توان خرد کردن مقاومت سرمایه‌داران، به نمایش گذاردن جرات و تصمیم واقعاً خارق العاده در اعمال قدرت، و تضمین پشتیبانی پرشور، غیرخودخواهانه و واقعاً قهرمانانه توده‌های ارتشی و دهقانی را دارا می‌باشد.

قدرت به دست شوراها - اینست تنها راه رشد تدریجی، آرام و مسالمت آمیز، همگامی کامل با آگاهی سیاسی، اراده و تجربه اکثریت مردم. قدرت به دست شوراها، یعنی انتقال کامل اداره کشور و کنترل اقتصادی به دستان کارگران و دهقانان، که هیچ کس را یارای مقاومت در مقابلش نیست، که در عمل و از طریق تجربه خودشان چگونگی تقسیم صحیح زمین، تولیدات و غله را خیلی زود درخواهند یافت.

ن. لنین

رابوچی پوت شماره ۱۰

۲۷ (۱۴ سپتامبر ۱۹۱۷)

مجموعه آثار لنین، جلد ۲۵

-این متن، عین ترجمه‌ای است که رفیقی با نام "دوست شما" در ماه مه ۲۰۱۳ برای این سایت فرستاده‌اند. -آرشیو عمومی لنین

lenin.public-archive.net #L2603fa.html

و اما در مورد دوره وزارت چرنف چطور؟ آیا این دوره ثابت نکرد که هر قدم کمابیش جدی در جهت ارضای حقیقی نیازهای دهقانان، هر گامی در جهت نشان دادن اعتماد به دهقانان و به تشکیلات و اقدامات توده‌ای آنها، چه شور عظیمی را در میان آنها دامن می‌زند؟ به هر حال چرنف مجبور شد که حدود چهار ماه را به «چانه زدن» با کادتها و بوروکراتها بگذراند، که با پشت گوش اندازی و دسیسه چینی‌های مداوم او را سرانجام بدون آنکه به انجام کاری توفیق یابد، وادار به استعفا کردند. در نتیجه و در طی همین چهار ماه بود که زمینداران و سرمایه‌داران «بازی را بردند» - آنها املاک را حفظ کرده، فراخوان برای تشکیل مجلس مؤسسان را به تعویق انداخته، و حتی سرکوبهایی را علیه کمیته‌های ارضی آغاز کردند.

تجربه نشان داده است که هیچگونه راه وسطی وجود ندارد. یا تمامی قدرت مرکزی و محلی به شوراها منتقل شده، و کلیه اراضی به فوریت و تا اتخاذ تصمیم از طرف مجلس مؤسسان به دهقانان واگذار می‌شود، و یا اینکه زمینداران و سرمایه‌داران جلوی هر قدمی را سد کرده، قدرت مالکین را به آنها بازگردانیده، دهقانان را به طغیان واداشته و جریان امر را به یک شورش بی نهایت قهرآمیز دهقانی می‌کشانند.

جریان مشابهی اتفاق افتاد، وقتی که سرمایه‌داران (به کمک پالچینسکی) هر اقدام کمابیش جدی جهت نظارت بر تولید را در هم شکستند، هنگامی که تجار مانع امر ایجاد انحصار غله شده و توزیع دمکراتیک و منظم غله و دیگر مواد غذایی را که تازه توسط پشخونوف شروع شده بود، متوقف نمودند.

آنچه امروزه در روسیه ضروری است، اختراع «فرمهای جدید»، طرح ریزی «نقشه‌ها» برای تغییرات «جامع» و از این نوع نمی‌باشد. این شیوه‌ای است که سرمایه‌داران، پوترسف-ها، پلخانف‌ها، که فریادشان بر علیه «مطرح ساختن سوسیالیسم» و «دیکتاتوری پرولتاریا» بلند است، توسط آن وضعیت را - عمداً به نحوی کاذب - نمایش می‌دهند. در حقیقت اوضاع در روسیه به گونه‌ای است که مسائل و دشواریهای بی سابقه جنگ، خطر جدی و بی مانند نابسامانی اقتصادی و قحطی، خودشان راه رهایی را ارائه داده، و نه تنها رفرمها و سایر تغییرات را نشان داده‌اند بلکه وقوع شان را نیز به عنوان امری مطلقاً ضروری به جلو انداخته‌اند. این تغییرات باید که از این قرار باشند: انحصار غله، کنترل بر تولید و توزیع، تحدید چاپ اسکناس، مبادله منصفانه غله با کالاهای صنعتی و غیره.

هر کسی معترف است که اقداماتی از این نوع و در این جهت اجتناب ناپذیر بوده، و هم اکنون در بسیاری از نقاط بطور همه جانبه‌ای به مرحله اجرا نیز گذاشته شده‌اند. امر اجرای آنها هم اکنون شروع شده است، ولی این امر در همه جا با کارشکنی و مقاومت سرمایه‌داران و زمینداران از طریق دولت کرنسکی (یک دولت کاملاً بورژوایی و بنیپارتیستی در عمل)، از طریق دستگاه بوروکراتیک دولت کهن و از طریق فشارهای مستقیم و

همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!

🌟 پنجمین روز تجمع کارگران کنتور سازی قزوین
 شعار کارگران: عزا عزاست امروز روز عزاست امروز
 زندگی کارگر روی هوست امروز
 پنج شنبه ۱۴ شهریور ۹۸



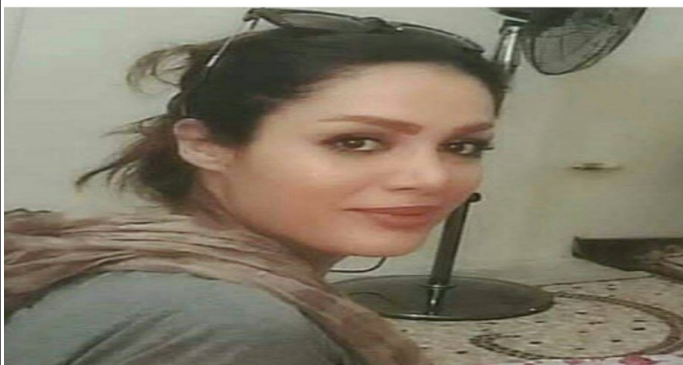
پهن کردن سفره خالی توسط کارگران آذرباب به نشانه ی اعتراض در میدان مرکزی شهر اراک درتجمع اعتراضی.



مادر صبا کردافشاری، از بی گناهی فرزندش و صدور حکم ۲۴ سال حبس ناعادلانه علیه او می گوید



🔴 حکم 6 سال حبس تعزیری و 74 ضربه شلاق برای سپیده فرح آبادی (فرهان) تأیید شد.
 ... Visa mer



🔴 تحسین اعتراضی کارگران آذر آب در باغ ملی اراک.
 با توجه به اینکه صبح امروز معاونت سیاسی امنیتی استانداری، پلیس امنیت و فرماندار در آملی نشان شرکت سعی در جلوگیری از تجمع کارگران داشتند، اما کارگران آذرباب ساعتهای پیش به خیابان آمدند و در محل باغ ملی اراک دست به تحسین اعتراضی زدند.
 کارگران خواهان لغو خصوصی سازی شرکت هستند.



اعلام حمایت و همنبستگی کارگران آذرباب با کارگران هیکو
 روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ۹۸، کارگران #آذرباب_اراک در حمایت از کارگران #هیکو تجمع نموده و شعارهای زیر را می دادند:
 زنده باد هیکو
 ۱۴ شهریور



دادگاه بدوی ۹ کارگر مجتمع نیشکر هفت تپه در شوش را به هشت ماه حبس تعزیری و سی ضربه شلاق محکوم کرد اما این احکام را چهار سال به حال تعلیق در آورد. یک کارگر دیگر این کارخانه هم تبرئه شده است.

🌟 کارگران هیکو با بستن خط آهن شمال به جنوب، اعتصاب خود را در سومین روز متوالی در اعتراض به وضعیت این شرکت و حقوق معوقه خود، ادامه دادند.
 5 شهریور 98
 #حمایت_سراسری_از_کارگران_هیکو
 @anjomanbfc



ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!



همسران ایلامی و ریلی ایلامی بانی بنیاد و کجا
 تاریخ: ۳۹۸/۰۶/۸۳
 دسته: زنان، سایر گروهها، کودکان
 لینک کوتاه: www.hra-news.org/?p=213780
 کد خبر: ۹۸۰۶۱۳۳۰۷



آبجای خبر

دختر گرد ایلامی قربانی کودک همسری شد

سایت شناک

رها متولد سال ۸۵ است، دختر ۱۱ ساله‌ی ایلامی که به عقد مرد ۵۰ ساله درآمد؛ در واقع او را به ازای ۱۵ میلیون تومان فروخته‌اند. مرد، همسری دیگر و هفت فرزند دارد. رها انگار نوعی آن مرد است و نه همسر او!

هنوز عادت ماهانه زنانه را تجربه نکرده، به گفته‌ی همسر اول مرد، هر شب رابطه‌ی جنسی را تجربه میکند. سهم رها از



ازدواج بیش از ۴ هزار و ۴۰۰ دختر زیر ۱۴ سال در اردیبهل طی سال ۹۷

خبرگزاری هرانا - در سال ۹۷ بیش از ۴ هزار و ۴۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ سال در استان اردیبهل ازدواج کرده اند که این آمار نسبت به سال پیش از آن رشد داشته است. همزمان ۴۲ درصد از مجموع ۱۲ هزار ازدواج صورت گرفته در این استان مربوط به دختران ۱۰ تا ۱۹ سال است. آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از کودک همسری ضربات جبران ناپذیری را بر روی زندگی دختران به‌ویژه بارداری‌های زیر ۱۸ سال، مرگ‌ومیر مادران، افسردگی، و بعضاً اقدام به خودکشی در کنار آسیب‌هایی مانند طلاق بازماندن از تحصیل و بیداری چرخه فقر فرهنگی و اقتصادی است.



کودک همسری و سکوت قانون

24.04.2019

ازدواج دختران زیر ۱۲ سال در ایران همچنان ممنوعیت قانونی ندارد و لایحه افزایش این سن به ۱۶ سال به بن‌بست خورده است. یک نماینده مجلس می‌گوید ثبت ۴۲ هزار ازدواج زیر ۱۸ سال نشانه افت شاخص‌های انسانی و فقر در آموزش همگانی است.



کودک همسری در همدان؛ ۱۶۰۰

ازدواج طی یک سال 30.05.2019

یک مقام دادگستری همدان از ازدواج ۱۵۹۶ دختر زیر ۱۵ سال با ۶۰ مورد طلاق در سال گذشته خبر می‌دهد و علت مرسوم شدن وصلت در این سن را اجبارها و عادات فرهنگی به ویژه نزد روستاییان عنوان می‌کند.



معصومه ابتکار: فاصله سنی برخی کودک همسری‌ها ۵۰ سال است

04.08.2019

هفته ازدواج در ایران با برنامه‌های تبلیغی - تشویقی در حالی جریان دارد که از هر دو ازدواج یکی به طلاق عاطفی می‌انجامد و تکلیف لایحه کودک همسری مشخص نیست. در بسیاری شهرستان‌ها ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله رواج دارد.

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آن بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است، آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هممنوعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشتی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوع این سموم به درستی بی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتوانند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایانی را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، فقر و بیکاری و دها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواست های روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو یا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب به وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنها دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شاخرداری هستند که شیادان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنها بخورد طرفداران نامسول چنین سناریویی میدهند.

ما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم آلترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شوینستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویت‌های ارتجاعی ملی و مذهبی به مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۳ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸

www.simroz.org Z_zizji@yahoo.se

برای برقراری یک جامعه نوین باید بپا خیزیم! بدون
توسل به قهر انقلابی، بدون در دست داشتن پرچم
سوسیالیستی، بدون تحزب کمونیستی طبقه کارگر،
بدون به میدان آمدن قربانیان این نظام ضد انسانی،
بدون اقدام ملیتانت و مسلحانه، نابودی و کنار زدن
نظام سرمایه داری و در راس آن نابودی نظام جانی
اسلامی ممکن نیست. (سلام زیجی)

زنده باد نظام شورایی! زنده باد نظام سوسیالیستی!

روزهای یکم و پانزدهم هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

سمینار نقد و بررسی در باره:

جایگاه خط سیاسی و رهبری جدید "حککا- حکمتیست" در اوضاع سیاسی ایران



نگاهی واقعی و بدون سانسور به گذشته و حال جریانها، مناسبات و تناقضات سیاسی و درونی آن جریان، و اینکه چرا خط غالب بر این جریان تفاوت بنیادی با مبانی سیاسی و فرهنگی، و سنت های جاری چپ ۵۷ی، و به ویژه با "کومله حزب کمونیست ایران" کنونی ندارد.

- چرا در موقعیت کنونی این جریان آینده ای بجز بی آندگی و نقشی بجز ایفای نقش بسیار حاشیه ای و یا منفی نمیتواند در مسیر پیروزی جنبش کارگری و سوسیالیسم در تحولات سیاسی ایران ایفا کند.

ارائه دهنده: سلام زیجی

زمان: روز یکشنبه، ۲۴ شهریور ۱۳۹۸ (۲۰۱۹-۹-۱۵) ساعت ۱۱ شب به وقت ایران (۲۰ و ۳۰ دقیقه به وقت اروپای مرکزی)

مکان: بطور زنده در شبکه اجتماعی فیس بوک (صفحه Socialism Imroz) و همزمان از طریق کانال انستاگرام صفحه [salam zijji](#)

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۱۶ شهریور ۱۳۹۸ / ۶ سپتامبر ۲۰۱۹

سوسیالیسم.... < رزگار بونه له

نا یه کمسانی کومه لایه نی

کوی لایه تی به کری

جیاوازی ره گهزی

نا نه منیی و به دپه ختی

لینک یوتوب و فیس بوک

سمینار سلام زیجی

در باره "سوسیالیسم و جامعه"، سوسیالیسم واقعی و کارگری، و راه پیروزی آن.

در صفحه کردی زبان "نان کار حکومت شورائی"

۲۰۱۹-۹-۵

<https://www.youtube.com/watch?v=U6xRbsHFTIE&fbclid=IwAR2Cobw7zBOZBctYllaGuKQXPG15MH40VmGzI9zNpLpflhGv09SasuZbRoU&app=desktop>

<https://www.facebook.com/1027561980771141/videos/471911156694684/>

<https://www.facebook.com/1027561980771141/videos/471911156694684/>

اخراج و بیکار سازی موقوف!